



توران مهرزاد، هنرمندی که نام خود را از نوشین دارد

توران مهرزاد هنرپیشه و بازیگری که در سه دوره هنری تأثیر ایران فاتح عرصه های تأثیر بوده است. صحنه اول میدان تلاش او عرصه تأثیر پویای نوشین و شاگردانش تا آغاز ۱۳۳۲ که کودتای ۲۸ مرداد بر آن نقطه پایان گذاشت. صحنه دوم هنرنمایی او در بعد از ۲۸ مرداد با شاگردانی که از نوشین در ایران بجا مانده بود. صحنه سوم بازیگری او در فیلم های ایرانی پس از انقلاب ۱۳۵۷ است. او در این فیلم ها نیز آگاه، آرام، پخته و انسانی به حوادث می نگرد. امروز نیز در دوران افول با سر و گردنی افراخته به گذشته اش افتخار می کند. درست است که برای تهیه عکسی از امروز او تلاش های بسیار کرده ایم. اما او همیشه برای ما عزیز و دوست داشتنی است. زندگی او را از زبان خودش بشنوید: «نام واقعی من «فاطمه بزرگمهر» است ولی در خانه همه مرا «توران» صدا می کردند. روزی استاد عبدالحسین نوشین از من پرسید: متولد چه روزی هستی؟ گفتم: ده مهر. همان لحظه استادم، نوشین نام مرا «مهرزاد» گذاشت و از آن به بعد همه مرا توران مهرزاد صدا کردند. یک شب در تأثیر سعدی یکی از بچه ها که مرا می شناخت به من گفت: شب چه ساعتی به خانه می روی؟ گفتم: ساعت نه. گفت: ساعت نه و نیم در خانه ات را باز بگذار که یکی از دوستان عزیز می آید. اسمش را نگفتم. نمی دانید وقتی که دیدمش چه حالی شدم. نوشین بود، همان شب از زندان فرار کرده بود. چند روزی پیش ما بود که بعد بردنش جای دیگر که ما اول نفهمیدیم کجا رفته است. ولی بعدها، یک روز فلور همسر آقای عزت انتظامی ما را برای ناهار دعوت کرد. با همسر حسن خاشع آنجا رفتم و آقای نوشین هم آنجا بودند. من آن روز فهمیدم که مخفی گاه آقای نوشین منزل آقای انتظامی بوده است. بعدها شنیدم که نوشین از مرز خارج شده است.» نقل از کتاب «جادوی صحنه»، عزت الله انتظامی

مشورت کرد و او را در جریان تصمیم خود گذاشت و قرار شد با نامه نگاری در جریان کار و زندگی هم باشند.

وقتی نیاز مالی عشق را از صحنه می راند!

چارلز جوان با آنکه خود را مدیون اوژنی، دختر عموی زیبای خود می دانست اما تنها عشق، مشکل گشای کار و زندگی او نبود و احتیاج به کار و پولی مداوم داشت تا بتواند بدهی های پدر و ورشکسته اش را پرداخت کند. به همین دلیل تصمیم مسافرت به هند گرفت، یادش نبود که شاعر ایرانی گفته است:

مرو به هند و برو با خدای خویش بساز

به هرکجا که روی آسمان همین رنگ است
در واقع احتیاج، چارلز جوان را از اوژنی جدا کرد. نمی دانم چرا با شنیدن نام احتیاج به یاد شعر زیبای میرزاده عشقی شاعر ناکام افتادم که در ابتدای حکومت پهلوی اول سرسبز را فدای زبان سرخ خود کرد. هیچ شاعری احتیاج را زیباتر از او به تصویر نکشیده ولی چون صفحات یاد مانده ها جای شعر نیست ابیاتی از این شعر زیبا را برایتان می نویسم. شاید بقیه اش را در آینده برایتان چاپ کنم.

هرگناهی آدمی عمداً به عالم می کند

احتیاج است آنکه اسبابش فراهم می کند

ورنه کی عمداً گناه اولاد آدم می کند

یا که از بهر خطا خود را مصمم می کند

احتیاج است آنکه زو طبع بشر رم می کند

شادی یکساله را، یکروزه ماتم می کند

احتیاج است آنکه قدر آدمی کم می کند

در بر نامرد پشت مرد را خم می کند

آنکه شیران را کند رو به مزاج

احتیاج است، احتیاج است، احتیاج است، احتیاج

دنباله مطلب در صفحه ۸

از خانه عمویش «گرانده» بیرون آمد از یک طرف تفر عمیق از عمو را در ذهن و ذائقه اش مزه می کرد و از طرفی عشق بی ریا و صادقانه اوژنی زیبا را که بدون هیچ حسابگری موجودی و اندوخته خود را در اختیار او گذاشته بود او را به سوی خود می کشید. او پس از مدتی کلنجار رفتن با زندگی و طلبکاران پدر ورشکسته



بازیگران نمایشنامه فراموش نشدنی «اوژنی گرانده»

نمایشنامه زیبا، گیرا و به یاد ماندنی «اوژنی گرانده» با بازیگری حسین خیرخواه در نقش «گرانده» برای دنیای تأثیر دیروز و امروز فراموش ناشدنی است. درست است که این نمایشنامه یکی از آخرین کارهایی بود که در تأثیر سعدی به صحنه آمد و پس از آن اجرای مونتسرا همزمان با کودتای ۲۸ مرداد و به آتش کشیدن تأثیر سعدی شد و این مکتب آموزش اجتماعی برای همیشه تعطیل و خاطراتش به دست تاریخ سپرده شد. بازیگرانی که در این نمایشنامه شرکت داشتند عبارتند از: محمد تقی کهنمویی، ایرن عاصمی، توران مهرزاد، بانوفرهی، حسین خیرخواه، جلال ریاحی، حسن خاشع، مهدی امینی، دوشیزه اعلم، صادق شباویز، نصرت کریمی، محمد علی جعفری، محمد عاصمی.

اش به این نتیجه رسید که ماندنش در فرانسه نمی تواند گریزی از مشکلات زندگی اش را باز کند. چارلز سرانجام تصمیم گرفت از فرانسه به هند مسافرت کند و در آنجا به دنبال کار و سرنوشت خود باشد. در این مورد با اوژنی نیز



یاد مانده ها

از نصرت الله نوح
(۱۴۰)

www.safinehnooh.com

نظری گذرا به تأثیر تجربی - علمی ایران (۱۲)

در اجرای نمایشنامه اوژنی گرانده در تأثیر سعدی

خیرخواه با اجرای نقش گرانده بهترین نقش خود را بازی کرد.

حسین خیرخواه دوست، همکار و شاگرد نوشین در طی نزدیک به دهسال همکاری، بعد از شهریور بیست با عبدالحسین نوشین دهها نقش را با حضور استاد و یا در غیاب او بازی کرد که هر یک مورد تحسین و اعجاب دوستداران و منتقدان امور تئاتر ایران قرار گرفت و مانیز در این بررسی جابجا از آن نقش ها یاد کرده ایم. اما بازی او در اجرای نقش گرانده، مرد ثروتمند خسیس (مخلوق بالزاک) از بازیهایی بود که دوستداران تأثیر آن روزگار که هنوز هم بعضی از آنها حضور دارند و یا اثر آن را در مطبوعات آرتوزگار خوانده اند فراموش نمی کنند. خیرخواه مردی که در هفت آسمان یک ستاره نداشت در اجرای نقش گرانده خسیس ثروتمند، چنان سکه های طلا را با شوق و ذوق به آسمان پرتاب می کرد که تماشاگر، برق چشمان او را در تماشای سکه ها می دید.

دختری که پا جای پای پدر گذاشت

مهربانش به دیدار چارلز آمد او را از دنیای بدهکاریهای پدر ورشکسته اش بیرون آورد.

اوژنی ضمن اظهار علاقه به چارلز آنچه را که در طی سالها یا با اطلاع و یا بی اطلاع پدر، (دور از چشم او) ذخیره کرده بود با قلب صاف و پاکش در اختیار پسرعمو چارلز گذاشت و به حکم آنکه از قدیم گفته بودند که عقد پسر عمو و دختر عمو در آسمانها بسته شده منتظر اشاره ای از طرف چارلز برای ازدواج با او بود.

اما مشکل بدهکاریهای پدر چارلز که به ورشکستگی کشیده شده بود با کمک های دوستانه، عاشقانه و میزان کم موجودی اوژنی حل نمی شد. گرانده هم که از اول

نمایشنامه «اوژنی گرانده» از کارهای ماندنی و با ارزش بالزاک نویسنده رئالیست و مشهور فرانسوی در قرن ۱۸ و ۱۹ بود. آثار مهم او «بابا گوریو»، «اوژنی گرانده»، «زن سی ساله» و «چرم ساغری» را می توان نام برد. نمایشنامه «اوژنی گرانده» به خاطر داشتن فضایی نمایشی بیشتر مورد توجه دوستداران تأثیر قرار گرفته و بارها در تئاترهای بزرگ کشورهای مختلف به روی صحنه رفته است.

این نمایشنامه داستان مرد خسیسی است به نام «گرانده» که در دنیای کاسبکارانه و بورژوازی فرانسه با استفاده از ازدواج مناسب و به دست آوردن مزایده های دولتی به ثروتی بی حد و حصر می رسد. علاقه بیمارگونه او به جمع آوری پول، سکه های طلا، املاک و مستغلات به حدی می رسد که رابطه او را با خانواده، فامیل و اجتماع خارج از محدوده او قطع می کند. برادر گرانده تاجر بزرگی بود و موقعیتی در بازار تجاری آن روزگار داشت. این برادر پسر داشت بنام چارلز که نقش مهمی در این داستان یا نمایشنامه بازی می کند. این دو برادر، (گرانده و برادر تاجرش) سی سال بود که همدیگر را ندیده بودند و چارلز هم نسبت داشتن خود به عمویش را همیشه تکذیب می کرد. اما برادر گرانده همیشه در آرزوی ازدواج پسرش چارلز با دختری اشرافی بود. اما از بخت بد کارش به ورشکستگی می کشد و پسرش چارلز برای درخواست کمک پیش عموجان گرانده می رود، اما عموجان خسیس که هیچوقت آب از دستش به زمین نمی چکد و به آبریزگاه نمی رود که مبادا گرسنه شود معلوم است از کمک به چارلز برادرزاده عزیز خود خودداری می کند و دل جوان را می شکند.

در دنیای خست نیز عشق کار گشاست

درست است که چارلز جوان، دل شکسته و نومید از دفتر کار عموی خسیس اش «گرانده» بیرون آمد، اما حضور و وجود اوژنی زیبا که با استقبال و لبخند

وقتی فهمید برادرش ورشکست شده و برادرزاده اش چارلز برای دریافت کمک به خانه اش آمده است به او روی خوش نشان نداد او را از خود راند که این خاصیت همه مال اندوزان و پولداران عالم است. چارلز وقتی

سام فینی

مشاور با تجربه، پر تلاش و صادق

در خرید و فروش املاک و وام

(سانفرانسیسکو، سن حوزو و بی اریا)

❖ خرید Buy ❖ فروش Sell ❖ وام Finance



Sam Fini

COLDWELL BANKER
DCP
(650) 834-1586

Realtor/Loan Specialist San Francisco Bay Area

(650) 834-1586

Fax: (650) 991-3630

www.samfini.com Email: farsi@samfini.com

یک خدا، یک پیام، یک دین

کدام دین؟

با اینکه آداب و رسوم ادیان متفاوت هستند ولی یکتا پرستی اصل و اساس تمام ادیان است

یگانگی ادیان

قرآن ۴۲:۱۳

او همان دینی را برای شما مقرر کرد که برای نوح مقرر کرد و آنچه ما بر تو (محمد) وحی کردیم و آنچه برای ابراهیم، موسی و عیسی مقرر نمودیم: «شما باید از همین یک دین پیروی کنید و آن را فرقه فرقه نکنید...»

کتاب مقدس - مرقس ۱۸-۱۷:۱۰

چون به راه می رفت، شخصی دوان دوان آمده، پیش او زانو زده، سؤال نمود که «ای استاد نیکو چه کنم تا وارث حیات جاودانی شوم؟»
عیسی بدو گفت: «چرا مرا نیکو گفتی و حال آنکه کسی نیکو نیست جز تنها خدا.»

تثنیه ۵-۶

ای بنی اسرائیل گوش کنید: «پروردگار خدای ما خدائست یکتا. او را با تمامی دل جان و توانایی خود دوست بدارید»

یسنا ۷:۳۴

پس من با راستی و درستکاری می خواهم که تنها تو (ای خدا) پناه و یار من باشی

جمعیت یکتا پرستان ۷۵۷۰-۹۱۶ (۴۰۸)

www.masjiduntucson.org

www.submission.org